



آماده سازی دانش آموزان به پذیرش همکلاسیهای معلول

پدیدآورده (ها) : صمدی راد، انور

علوم تربیتی :: رشد معلم :: بهمن 1370 - شماره 80

از 76 تا 79

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/223854>

دانلود شده توسط : عمومی user2314

تاریخ دانلود : 17/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

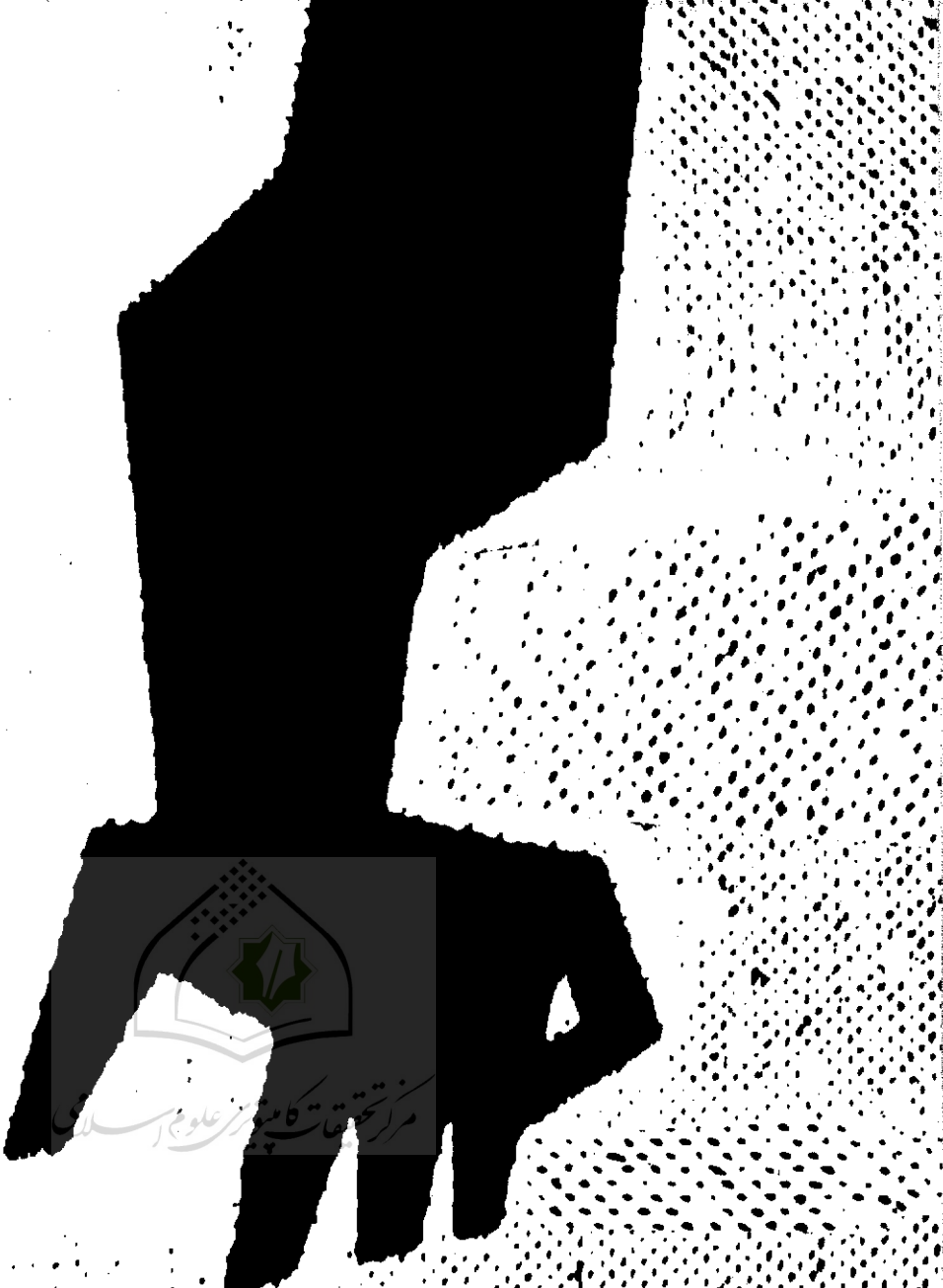
افزایش دانش‌آموزان معلول جسمی در مدارس، انعکاس منطقی زندگی ماشینی امروز (وقوع حوادث ناشی از تصادفات رانندگی و بی‌احتیاطی در کار با ماشینهای مختلف موجود در مزارع و کارخانجات و کارگاههای تراشکاری و نجاری و لوازم منزل مانند چرخ‌گوش، اره‌های برقی و...) و زاینده وضع خاص کشور پس از بروز جنگ تحمیلی است. در چنین شرایطی، هر معلم مدرسه‌ای باید منتظر پذیرش یک یا چند دانش‌آموز ضایعه دیده در کلاس خود باشد؛ بنابراین، برعهده مقامات و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش است که با ارائه مطالب، سمینارها و دادن آموزشهای ضروری، به دانش‌معلمان در برخورد با این قبیل دانش‌آموزان بیفزاید و آنها را برای رودرویی با این پدیده اجتماعی آماده نمایند. معلمان آموزش دیده نیز در عمل می‌توانند سایر دانش‌آموزان را برای ارتباط‌گیری هرچه منطقی‌تر و صمیمانه‌تر با همکلاسیهای معلول خود تعلیم دهند و به این ترتیب، در رابطه با آماده‌سازی جامعه برای پذیرش افراد ضایعه دیده و معلول و نیز بازسازی افراد معلول در جهت احساس مقبولیت در جامعه، بار عظیمی از دوش مسئولان توانبخشی بردارند.

در این مختصر که با استفاده از تجربه‌ها و یافته‌های محققین و صاحب‌نظران در زمینه مسائل اجتماعی و روانشناختی کودکان تهیه شده، به‌ساده‌ترین وجه به این مهم پرداخته شده است.

باشد که این قدم هر چند کوچک، راهگشای اقدامات مفیدتر و وسیع‌تر در جامعه انقلابی ما باشد.

اختلاط معلول و غیرمعلول

آخرین و مهم‌ترین مرحله از توانبخشی، بازسازی و برگشت دادن فرد ضایعه دیده و معلول به جامعه و کمک به وی برای از سرگیری



انور صمدی راد

آماده‌سازی دانش‌آموزان به پذیرش همکلاسیهای معلول

زندگی عادی و روزمره است. این مرحله، فرایندی دوطرفه است. یعنی همزمان با آماده‌سازی فرد ضایعه دیده برای جذب شدن در جامعه اطراف خود و اختلاط و آمیزش با افراد معمولی، باید سایرین را نیز از نظر طرز فکر و تلقی و نگرش آموزش داد تا به نقیصه عضوی فرد معلول توجه نداشته باشند و مانند یک انسان معمولی دیگر، به قابلیت‌ها، تواناییها و حیثیت وی در کل نظر کنند؛ چرا که تا چنین آمادگی و نگرشی در جامعه پیرامون فرد معلول وجود نداشته باشد، وی امکان نمی‌یابد تا از هویت و موجودیت خود به عنوان فردی مفید و سالم در جامعه، احساس مقبولیت کند و تصویری روشن بیابد. بنابراین، شما به عنوان یک معلم وظیفه دارید که به بچه‌ها کمک کنید تا نسبت به بچه‌های معلول نگرشی مثبت و منطقی پیدا کنند. برای انجام این منظور که در عین نشاط انگیز و آموزشی بودن، بچه‌ها را در جهت درک عمیق‌تر نسبت به ماهیت نارساییها و محدودیت‌های جسمی هدایت می‌کند، در تنظیم یک برنامه جامع، پیشنهادات و اهداف زیر ارائه می‌شود:

۱ - بالا بردن میزان پذیرش کودکان معلول به عنوان یک فرد، و تفهیم این نکته که آنها نیز درست شبیه سایر افراد هستند و باید برای شرکت در فعالیتهای گروهی عادی تشویق و ترغیب شوند.

۲ - ماهیت برخی کمبودها و محدودیتهای جسمی را به بچه‌ها توضیح دهید و آنها را تشویق کنید تا با سوالات ادراکی و احساس درونی در ابعاد این معلولیتها به تفکر و بررسی بپردازند.

هر جا که ممکن باشد، بچه‌ها را وادار کنید تا خود را به جای یک فرد معلول بگذارند و شرح بدهند که آیا دوست دارند از بقیه افراد جدا نگه داشته شوند؟ حقیرتر از دیگران به نظر آیند؟ برای آموختن عواطف و نگرشها باید بچه‌ها را با «واقعیتهای» آشنا کرد. درباره علل

برخی از معلولیتها می‌توانید به‌طور صریح و آشکار توضیح دهید. به آن دسته از وسایل و ابزار کمکی که برای افراد معلول قابل دسترسی هستند، اشاره کنید. انواع صندلی چرخدار، انواع عصا، دست و پای مصنوعی و غیره را به آنها بشناسانید. خدمات توانبخشی از قبیل فیزیوتراپی، کار درمانی، گفتار درمانی، دست و پاسازی را برایشان توضیح دهید. آنها را با مواعی از قبیل پله‌های زیاد، درهای کم عرض، آسانسورهای کوچک، تلفنهای عمومی که خارج از دسترس معلولین نصب شده‌اند، شیرهای آب در ارتفاع زیاد، توالتهای و غیره که تحت عنوان موانع معماری برای معلولین به حساب می‌آیند، آشنا کنید و توضیح دهید که با تدابیر جزئی از قبیل ساختن سطح شیبدار و تدوین مقرراتی برای معماری و شهرسازی از نظر مراعات حال معلولان ویژه آنها که روی صندلی چرخدار نشسته‌اند، می‌توان زندگی را اندکی برای این افراد آسانتر کرد. برای آنها از تواناییها و استعدادهای افراد معلول و به‌ویژه از موقعیتهای معلولان سرشناس تعریف کنید. روی آنچه که افراد معلول «می‌توانند» و نه روی هر آنچه که «نمی‌توانند»، تأکید کنید؛ آن وقت خواهید دید که بچه‌های کلاس شما چقدر شیفته و مجذوب این حقایق و واقعیتهای خواهند شد.

۳ - می‌توانید صندلی چرخدار، عصا، و غیره را امانت بگیرید و سرکلاس بسبرید و بچه‌ها را ترغیب کنید تا از آنها استفاده کنند. بیشتر بچه‌ها ممکن است از سوار شدن بر صندلی چرخدار خوشحال شوند. بچه‌های معلولی که روی صندلی چرخدار هستند نیز گاه از این سواری لذت می‌برند و بین خود مسابقه ویلچررانی ترتیب می‌دهند؛ همان‌طور که بچه‌های معمولی مسابقه دوچرخه‌سواری می‌دهند.

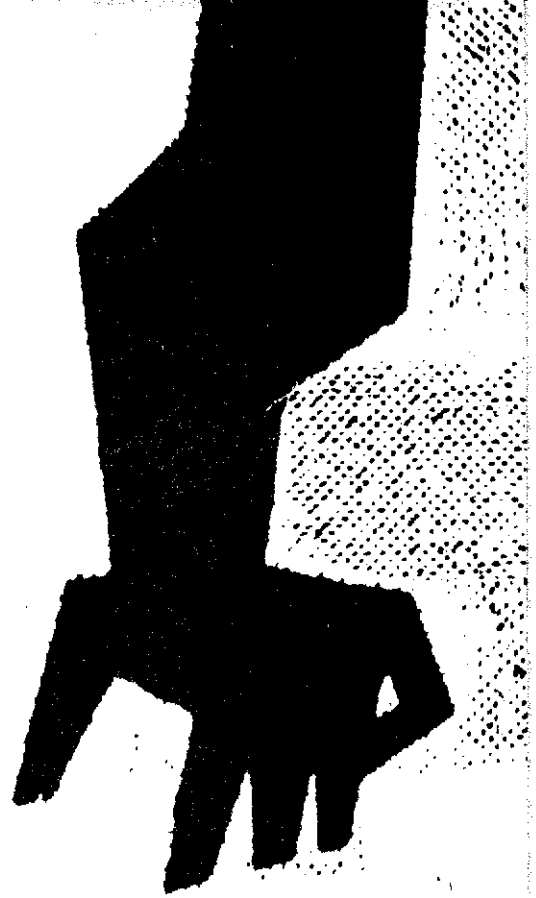
۴ - در ساعات ورزش، مسابقاتی بین بچه‌ها ترتیب بدهید که بچه‌های معلول نیز نه

تنها بتوانند در آنها شرکت کنند، بلکه گاه بهترین رکوردها را هم همین بچه‌ها به دست می‌آورند.

۵ - کتاب، مجله، فیلم و اسلاید در مورد مسابقات معلولین، نحوه زندگی روزمره آنها، موفقیت‌های اجتماعی‌شان و مبارزه‌شان برای زندگی هرچه بهتر و پسرتر، فراوان یافت می‌شود. استفاده کردن از این منابع در کلاس موجب درک عمیق‌تر بچه‌ها نسبت به معلول و معلولیت می‌شود. گاه و بیگاه نمایشگاههایی از آثار هنری و صنایع دستی و نیز مسابقات ورزشی معلولین برگزار می‌شود. بردن بچه‌ها به این قبیل مراسم، بسیار مؤثر است.

۶ - مسئله بسیار حساس و قابل تفکری که اغلب پیش می‌آید، این است که بچه‌ها (حتی بزرگترها) در برخورد با افراد معلول، به ویژه بچه‌هایی که دچار نقایص یا ضایعات جسمی هستند، احساسی از ترحم از خود بروز می‌دهند و یا آنها را موجودات درمانده و به کلی عاجز تصور می‌کنند و فقط جنبه‌های منفی و ناتوانیها را می‌بینند. یک معلم و یا هر بزرگتر فهمیده و کارآزموده‌ای هرگز بلافاصله این احساس بچه‌ها را سرکوب نمی‌کند. نباید به بچه‌ها تحکم کرد که مثلاً دلشان برای بچه‌های معلول نسوزد، که به جای آن بهتر است موضوع را با پرسشهای بیشتر و بیشتر برایشان روشن ساخت. به عنوان مثال، باید از آنها پرسید: «آیا کسی را می‌شناسید که دارای معلولیت باشد؟ آیا این شخص کار می‌کند؟ آیا مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کند؟ آیا این شخص حرفه یا سرگرمی دارد؟»

نمونه‌هایی از افراد معلول را که با وجود نقایص جسمی، زندگی پر بار و رضایتبخشی را دنبال می‌کنند، به بچه‌ها ارائه دهید. مثلاً از زنی صحبت کنید که از روی صندلی چرخدار خود به عنوان یک پرستار به بیماران خود خدمت می‌کند. از معلمی بگویید که نابیناست، و از مردان فلجی یاد کنید که شناگران یا خلبانان



بچه‌ها را از نزدیک با معلولان آشنا کنید
یکی از موارد رایج معلولیت در کشور، فلج اطفال است.
داستان موفقیت معلولان را برای بچه‌ها شرح دهید



شما به عنوان یک معلم نباید نگرش دانش‌آموزان را نسبت به بچه‌های معلول مثبت و منطقی کنید.
برای آموختن عواطف و نگرشها باید بچه‌ها را با واقعیتها آشنا کرد.

ماهری هستند. اگر دیدید که باور کردن اینها برای بچه‌ها مشکل است، از آنها بخواهید که خودشان را جای این افراد بگذارند و صحنه را مجسم کنند، مثلاً نشان بدهند که چگونه می‌توانند بدون داشتن یک دست، یا یک پا و یا بدون استفاده از دو پا، سوار ماشین شوند و یا در فعالیتهای مختلف اجتماعی شرکت کنند. پس از آن می‌توانید از بچه‌ها بخواهید تا با استفاده از قدرت تفکر و به سمد مشاهده و تجربه، فهرستی از فعالیتهای مختلف را که افراد با معلولیتها می‌توانند انجام دهند، تهیه نمایند.

۷ - یکی از روشهای بسیار مؤثر در تغییر نگرش بچه‌ها نسبت به معلولان، دعوت کردن یک یا چند نفر از معلولین جسمی مختلف به سر کلاس است تا بچه‌ها از زبان خود این اشخاص، داستان زندگی و شرح موفقیتها و تلاش و مبارزاتشان را در پیدا کردن مسیر زندگی در جامعه بشنوند. در عین حال، این افراد می‌توانند به راحتی، صداقت و به پرسشهای بچه‌ها در مورد عمل و عوامل معلولیت و تواناییها و ناتوانیهای افراد در موارد گوناگون پاسخ دهند. البته باید بسیار دقت کرد که بچه‌ها بی‌جهت دچار دلهره و اضطراب نشوند و به خاطر احتمال معلول شدن، آرامش فکریشان به هم نخورد. مثلاً یکی

از موارد بسیار رایج معلولیت در کشور، فلج اطفال است. بنابراین، اگر فردی را که در اثر بیماری فلج اطفال دچار معلولیت شده به کلاس بیاورید، او به راحتی می‌تواند ضمن توضیح درباره علل و کیفیت معلولیت خود به بچه‌ها این اطمینان خاطر را بدهد که خطر فلج شدن از سر بچه‌ها گذشته است و احتمال وقوع این معلولیت برای آنها وجود ندارد.

ممکن است در حضور فردی که از ناحیه کمر به پایین فلج است، سوال و جواب زیر انجام گیرد:
بچه‌ها: شما می‌توانید در پاهایتان چیزی حس کنید؟

معلول: بله، ولی بعضیها نمی‌توانند. آنها باید مراقب باشند که چیزهای داغ مثل سیگار، اتو یا فلزات و اشیاء خیلی گرم، آنها را نسوزاند.

بچه‌ها: شما می‌توانید پاهایتان را حرکت بدهید؟

معلول: نه! نه آن‌طور که شما می‌توانید. ولی من می‌توانم آنها را به کمک بازوانم بلند کنم.
بچه‌ها: شما از اینکه نمی‌توانید پاهایتان را حرکت بدهید، غمگین نمی‌شوید؟

معلول: نه، دیگر نه. من می‌توانم تدریس کنم، چیز بنویسم، پیانو بزنم، ماهیگیری کنم، با دوستانم سرود بخوانم و اتوموبیل دنده اتوماتیک برانم. می‌توانم اغلب اوقاتم را با دوستان خوبی که دارم بگذرانم و مثل بقیه افراد شاد و خوشبخت باشم. البته بعضی وقتها ممکن است غمگین هم بشوم. ولی دیگران هم ممکن است گاه و بیگاه غمگین باشند.

۸ - در صورت امکان از یک فیزیوتراپیست دعوت کنید تا با حضور در

کلاس درباره کمک به معلولین برای مستقل شدن و رفع پاره‌ای نارساییهای جسمی توضیح دهد و تکنیکهای خاص و برخی از ابزار و وسایل را نشان دهد و یا درباره‌شان صحبت کند. همچنین ترابست یا درمانگر می‌تواند راههایی را که خود بچه‌ها می‌توانند به افراد معلول کمک کنند، به آنها گوشزد کند؛ مثلاً آموزش این نکته که معلول در صورت نیاز، خودش باید تقاضای کمک کند و اصرار بی‌موقع برای کمک کردن به وی ممکن است موجب آزرده‌گی خاطر معلول بشود. توضیح این نکته هم برای بچه‌های معلول و هم بچه‌های غیرمعلول کلاس، خالی از فایده نیست.

گاه پیش می‌آید که یکی از شاگردان شما در کلاس به دلیلی دچار نقص عضو موقتی مثل شکستگی بازو، پا، در رفتگی قوزک پا و غیره می‌شود. این فرصتی است که باید از آن استفاده کارساز نمایید. باید بحثهای توأم با تفکر و اندیشه را بین بچه‌ها برانگیزید؛ به عنوان مثال از بچه‌ها سؤال می‌کنید:

الف: «آیا احمد همه کارهایی را که هفته پیش می‌توانست انجام دهد، امروز هم می‌تواند انجام دهد؟» و «امروز چه کارهایی را نمی‌تواند بکند؟» «آیا می‌تواند دو طبقه پایین برود و از دفتر مدرسه، کوره جغرافیایی را به کلاس بیاورد؟»

ب: «او را در بازی هندبال شرکت می‌دهید؟» «اگر نمی‌تواند هندبال بازی کند، پس زنگ ورزش باید چکار کنند؟» «آیا می‌توانید بازی را مطرح کنید که احمد هم بتواند با شما بازی کند؟» «می‌شود توی بازی شما مثلاً نخودی بشود تا احساس نکند که شما او را به کلی کنار گذاشته‌اید؟»

بهتر است بچه‌ها را متوجه کنید که در بین بچه‌هایی که دارای معلولیت‌های دائمی هستند، بعضیها دوست دارند در بازیها و مسابقات وقت نگهدار باشند و یا می‌توانند حساب امتیازهای دو تیم یا افراد مسابقه دهنده را نگه دارند و یا مثلاً خط نگهدار باشند. بعضیها هم خیلی خوشحال می‌شوند که سوار بر صندلی چرخدارشان توپ بازی کنند؛ هر چند که منجر به افتادن از روی صندلی بشود. بنابراین، باید به این قبیل افراد هم فرصت داد تا بنا به میل و توانایی خود در مراسم شرکت کنند.

۹ - در اغلب موارد، افراد غیرمعلول اندیشه نادرستی در مورد فعالیتها و حرفه‌های متناسب برای افراد معلول دارند. به بچه‌ها کمک کنید تا در مورد اینکه احمد قادر به انجام چه کارهایی است، پیشنهادات واقعی و درستی ارائه دهند؛ مثلاً یک هفته پس از گچ گرفتن پای احمد از بچه‌ها پرسید: «آیا حالت امروز احمد از دفعه اولی که او را با پای گچ گرفته دیدید، فرق کرده است، یا نه؟»، «آیا پای گچ گرفته وی چیزی را در وی عوض کرده است؟»، از احمد پرسید: «آیا احساس می‌کنی چیزی در تو تغییر کرده است؟»، «آیا به مدرسه آمدن برایت مشکل تر شده است؟»، «به مدرسه آمدن بچه‌هایی که برای همیشه دچار ضایعه هستند، چطور؟»، «آیا بهتر است این بچه‌ها به مدرسه بیایند یا اینکه معلم سرخانه داشته باشند؟»

۱۰ - ترتیب دادن مسابقات ورزشی و برگزاری جشنها و نمایشها و سرودخوانیهای که به مناسبتهای مختلف در مدارس صورت می‌گیرد با شرکت بچه‌های معلول و غیرمعلول و دعوت از بچه‌های معلول سایر کلاسها یا

مدارس برای شرکت در برنامه‌های گردش علمی دسته جمعی موجب می‌شود تا بچه‌ها احساس همبستگی و اختلاط بیشتر و صمیمانه‌تری پیدا کنند.

موارد یاد شده، شروعی برای تفکر سازنده در مورد اختلاط و همساز کردن بچه‌های معلول و غیرمعلول در مدارس بسوده و امید است معلمان دلسوز و شایسته در سایه اندیشه و تجربه اقدامات مثمرتری در این زمینه به عمل آورند. اصل مهم این است که طرز فکر کهنه و منسوخ جدا کردن معلول و غیرمعلول در جوامع از بین برود و دیگر خریداری بین معلمان و دانش‌آموزان نداشته باشد. در عین حال باید اضافه کنم، همه کسانی که از افراد معلول (چه در مدرسه یا اداره و یا همسایگی) دوری می‌کنند، به دلیل عدم علاقه‌شان به این افراد یا احساس کراهت از معاشرت با آنها نیست؛ بلکه در اصل به این علت است که واهمه دارند، مبدا نتوانند بر خوردی صحیح و منطقی با این افراد داشته باشند؛ و یا اینکه در اثر سهل‌انگاری و به طور ناشیانه، احساسات آنها را جریحه‌دار کند و ایجاد سوء تفاهم نمایند. بنابراین، ترجیح می‌دهند که از آنها فاصله بگیرند و بر شما معلمان ارجمند است تا در جوار آموزش مواد درسی، به شاگردان خود درس انسانیت بدهید. به آنها آموزش دهید که تفاوت‌های ظاهری در انسانها، اعم از رنگ پوست و مو، کوتاهی و بلندی قد، نداشتن دست یا پا و غیره چیزی نیست که فی‌الفسه ارزشی داشته باشد. فضیلت انسان، در انسان بودن است. در ارزشمند بودن و ارزش قایل شدن برای دیگران است. خواه این دیگران معلول باشند و خواه غیرمعلول.